

هنر نمایش نامه نویسی بودن

آزاده سهرابی

قریب به نیم قرن نمایش نامه نویسی، خلق حدود ۲۰۰ شخصیت نمایشی و نگارش ۲۲ نمایش نامه (منهای نمایش نامه‌هایی که ناتمام ماند) ماحصل تلاش مردی بود که ۶۸ سال زندگی کرد و در طول ۵۰ سال کار مملوم نویسنده‌گی، به جز آن پنج-شش سال آغازین که داستان‌هایی می‌نوشت، عرصه نمایش نامه نویسی و تنها نمایش نامه نویسی را به عنوان پیشه خود بر گزید. با این تعریف در میان معاصران (و شاید متقدمان) چون اکبر رادی، نمایش نامه نویسی ندریم که تنها برای خلق زندگی صحنه‌ای دست به قلم برده باشد.

اما اکبر رادی - که روحش شاد بلا- نه تنها به لحاظ «نمایش نامه نویسی بودن»، بلکه به واسطه نمایش نامه‌هایش و آنچه می‌نوشت و آن گونه‌ای که می‌نوشت نیز در طبقه جدایی در عرصه نمایش نامه نویسی معاصرمان جا می‌گرفت که در آن طبقه خودش بود و تنها خودش. هر چند در این سال‌های اخیر کسانی بودند که کوشیدند رادی وار بنویسند اما آن دنیایی که رادی در چندین و چند پرده (و گاه تک پرده) هر نمایش نامه‌اش جان می‌داد به واقع مشابه دیگری در میان هم قلمانش نیافت.

رادی نمایش نامه نویسی بود که بسیاری او را با چخوف و ایسن مقایسه می‌کردند روح شخصیت پر تلاشی‌ها و گاه موقعیت‌های چخوف را در آثارش می‌جستند و ساختار و کلام مستحکم ایسن را. اما رادی بیش از هر چیز خودش بود او که در رشت متولد شد در بسیاری از آثارش همان جغرافیای آشنای زادگاهش را بستر وقایع قرار می‌داد و سعی می‌کرد از آن فضای مه آلود و ابری به سود موقعیت‌های نمایشی‌اش استفاده کند.

رادی یکبار در مصاحبه نوشتاری گفته بود «ما در این گوشه شرق چه می‌کنیم؟ رئالیسم آسیایی کدام است؟ و آن کدام من ملی معاصر است که با تجربه‌های مشترک بشری همسوست؟...» و آن گاه به نام «تئاتر هویت» می‌رسد که جز به سازهای ملی زبان معاصر و قلب و مغز جهانی بنا نمی‌شود و به معنای همه جانبه یک تئاتر معاصر است که حافظه تاریخی دارد (گذشته و آینده) و سفارش اجتماعی می‌گیرد.

از همین روست که رادی میلی به فرم گرایی نداشت و ترجیح می‌دهد همان راهی را برود که به عنوان نمایش نامه نویسی سفارش اجتماعی بگیرد کاری هم که در تمام نمایش نامه‌هایش می‌کند و اشکافی طبقات اجتماعی است؛ طبقه‌هایی که ملام در حال رشد و افول و یا حرکت به سمت طبقات دیگر هستند او سعی می‌کند جایگاه تاریخی، اقتصادی، سیاسی و اعتقادی هر طبقه را در طول تاریخ معاصر کشورمان تصویر و تفسیر کند هر چند در عین حال به شدت به فردیت آدم‌های متعلق به این طبقه‌ها و همین طور روان شناسی شخصیت‌ها و نوع تفکر و تأثیرشان بر یکدیگر علاقه مند است. در میان آثار او که بگردیم، از هر طبقه‌ای، نمونه‌ای می‌یابیم: از روشنفکر و شبه روشنفکر تاهدقان و کاسب و تاجر و زمین دار و روحانی و کارمند و...

خاصیت آثار رادی هم این است که در همان صفحات نخستین نمایش نامه‌هایش به مامی گوید که با چه شخصیت یا شخصیت‌هایی و از چه طبقه ای رو به رو هستیم و قرار است کدام جنبه وجودی و تفکری آنها رو به روی یکدیگر قرار بگیرد و درام را قرار است به کجا بکشاند. از همین رو در آثار او بیش از آنکه با موقعیت‌ها درگیر شویم، با آدم‌های نمایش درگیر می‌شویم.

از طرف دیگر، آدم‌های نمایش او در عین حال که تعلقاتشان به طبقات اجتماعی و پایگاه تفکراتشان مهم است، مانند هر شخصیت اصیل نمایشی تبلوری و تنهایی و سرگردانی انسان معاصر هستند و از سر خوردگی‌ها، رنج‌ها و آرمان‌های بشری سخن می‌گویند در عین حال که رادی شخصیت‌هایش را به طور واقعی از پیرامونش گلچین می‌کند در تخیل و تفکر خود آنها را آن چنان ابداع می‌کند که در عین آشنا پنداری برای تماشاگر، فاصله واقعی‌اش هم از رئالیسم محض حفظ می‌شود.

حلقه مشترک دیگر در اکثر آثار رادی حضور یک شخصیت آرمان گراست که نهایتاً هم تنها می‌ماند و سرخورده اما این شخصیت‌های آرمان گرا در عین اینکه محور نمایش هستند بیشتر از زبان نویسنده سخن می‌گویند و تراژدی واقعی در پایان غم انگیز سرنوشتشان رقم می‌خورد و در همان حال، مجال این را می‌یابند که آرمان گرایی‌شان تفسیر و گاه نقد شود و این جاست که گاه ضد قهرمان‌های رادی از قهرمان‌هایش جلوتر می‌افتند. در آخر هم با نگاهی کلی به آثار رادی باید گفت تضاد همیشگی میان تجدد و سنت و پیر و جوان دغدغه اصلی نویسنده‌ای است که ترجیح می‌داد

ریشه اصلی نابسامانی‌های اجتماعی معاصر را جست و جو کند تا اینکه خود را درگیر قصه‌های خوش آب و رنگ کند

امانی توان این مقدمه را به پایان رساند و به مهم‌ترین شاخصه نمایش نامه‌های آقای نویسنده اشاره نکرد و آن همانا زبان و ساختار دیالوگ‌هایی است که او زمانی آنها را با وسواس به تحریر در آورده شاید خیلی‌ها این نقد را به رادی وارد کرده باشند که نوع زبانی که او برای شخصیت‌های نمایش‌هایش برمی‌گزیند به دلیل فاخر و یکدست بودن برای تمام شخصیت‌ها، فاقد حرکت و شخصیت پر تلاشی است، اما واقعیت این است که حرکت رادی میان زبان عامیانه و فاخر برای دست یابی به کلامی مستحکم و «ایرانی» تا امروز همتایی نداشته است.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





روزنه آبی

«روزنه آبی» اولین نمایش‌نامه اکبر رادی است که در سال ۱۳۳۸ و در حالی که تنها ۲۰ سال دارد، آن را در سه پرده می‌نویسد و در سال ۱۳۷۲ یک بار به طور جدی بازنویسی‌اش می‌کند. این نمایش‌نامه که هشت شخصیت اصلی دارد، در سال ۳۸ و در رشت روایت می‌شود. «روزنه آبی» مانند بسیاری از نمایش‌نامه‌هایی که پس از این می‌نویسد، از تضاد نسل‌ها و دیدگاه‌های اجتماعی شخصیت‌های نمایش سخن می‌گوید. در «روزنه آبی» در یک طرف پيله آقا بازاری قرار دارد با تفکرات سستی خود. او که شخصیتی منفعت طلب دارد و به موقعیت خود چسبیده است، در روبه‌روی خود پسرش، دوست پسرش و نامزد دخترش را دارد که متعلق به نسل جدیدند و با او در مباحث اساسی اختلافاتی دارند. هر سه آن جوان‌ها در آرزوی رفتن و مهاجرت کردن هستند، اما هر کدام به دلایلی متفاوت. در این میان همسر و دختر پيله آقا هم رو در روی او قرار می‌گیرند. و در نهایت این پيله آقا است که محکوم به شکست است. این نمایش‌نامه را شاملو همان روزهای نگارش می‌خواند و می‌پسندد به واسطه آن رادی را به شاهین سرکیسیان، کارگردان تئاتر، معرفی می‌کند. بالاخره سرکیسیان این نمایش‌نامه را در سال ۴۵ اجرا می‌کند، اما به علت عدم استقبال تنها چهار شب اجرا می‌شود. در این نمایش بهزاد فراهانی و مهتاج نجومی و لاله تقیان به عنوان بازیگر حضور می‌یابند. این نمایش‌نامه را رادی در سال ۴۱ و پس از آنکه آل احمد از چاپ آن در «کتاب ماه» منصرف می‌شود، با هزینه شخصی چاپ می‌کند. «روزنه آبی» یک بار نیز در سال ۵۵ اجرای تلویزیونی و سال ۵۶ اجرای رادیویی می‌شود.

افول

«افول» دومین نمایش‌نامه رادی است که در سال ۴۲ نگاشته می‌شود و در سال ۴۳ به چاپ می‌رسد. شش سال طول می‌کشد تا این نمایش‌نامه توسط علی نصیریان در تالار سنگلج به روی صحنه می‌رود. این نمایش‌نامه پنج پرده‌ای، شش شخصیت اصلی دارد و در روستایی در گیلان روایت می‌شود. رادی یک بار آن را در سال ۵۱ بازنویسی می‌کند و در سال ۵۵ نسخه جدید چاپ می‌شود. باز هم همان تضاد تفکرات در نمایش‌نامه مطرح است. جهانگیر مهندس کشاورزی است و تصمیم دارد در املاک پدر زنش دست به اصلاحات مدرن بزند؛ مثلاً مدرسه‌ای بنا کند. در راستای اهدافش با چهره‌های شهری ده، مثل معلم و دکتر برای بهبود فرهنگ و بهداشت رابطه برقرار می‌کند تا آنها را هم‌سوی تفکرات خود کند؛ تفکراتی که در جامعه بسته روستا با مخالفت رو به رو می‌شود. مخالفت‌ها ابتدا از جانب شخصی به نام کسمایی که زمین دار بزرگی است، آغاز می‌شود. از سوی دیگر اتفاقاتی رخ می‌دهد که باعث می‌شود افرادی که در بدو امر از ایده‌های او استقبال می‌کردند نیز او را رها کنند. در این نمایش‌نامه رادی به روشنفکر دانستنش که مهندس باشد و مردم ساده روستا و شهری‌ها، همگی نقدهایی وارد می‌کند تا از دل این نقدها و تضادها نقد اصلی را به جامعه‌ای وارد کند که در دل این تضادها پیش می‌رود و تعبیر می‌یابد.

در اجرای نصیریان از این نمایش‌نامه، بازیگرانی چون فخری خوروش، عزت الله انتظامی، اسماعیل شنگله، علی نصیریان، ایرج راد و محمد علی کشاورز ایفای نقش می‌کنند.

مرگ در پاییز

«مرگ در پاییز» در حقیقت سه گانه‌ای است با نام‌های «محاق» (که در سال ۴۴ نگاشته شد) و «مسافران» و «مرگ در پاییز» که در سال ۴۵ نگاشته و مجموع آنها در سال ۵۶ بازنویسی می‌شود. رادی این نمایش‌نامه را به محمود دولت‌آبادی تقدیم کرده که یک بار در نقش مشدی در اجرای آن ظاهر می‌شود. «مرگ در پاییز» برای نخستین بار در مجله «پیام نوین» در سال‌های ۴۴ و ۴۵ چاپ می‌شود تا سال ۴۹ که به صورت مستقل به چاپ می‌رسد. عباس جوانمرد نخستین کسی است که این سه گانه را برای اجرایی تلویزیونی در سال ۴۶ برمی‌گزیند. در سال ۵۱ نیز یک اجرای رادیویی از آن صورت می‌گیرد. اولین اجرای صحنه‌ای این نمایش‌نامه در سال ۶۶ و در دانشگاه اصفهان انجام می‌شود و سال ۷۰ اجرای دیگری توسط محمد بنایی در سالن شماره ۲ تئاتر شهر. سال ۷۷ نیز در زادگاه نویسنده، رشت، به واسطه تجلیل از اوبه اجرا در می‌آید.

نویسنده در این سه تک پرده نیز داستان‌ها را در همان روستا روایت می‌کند. حکایت، حکایت زن و شوهری روستایی است که پس از عمری زندگی با هم حالا اسیر سرنوشت تلخ بچه‌هایشان شده‌اند. دختر خانواده از دست عیاشی‌های همسر به خانه پدری پناه می‌آورد، اما پدر و مادر نگران پسرشان هستند که از سربازی فرار کرده است. در این جین آسبی که پدر به یاد پسر خریده می‌میرد و پدر آن را به فال بد می‌گیرد و شبانه راه می‌افتد تا پسر را ببیند. اما سرما او را از پا در می‌آورد، در حالی که در میانه راه همه سعی کرده بودند او را از ادامه مسیر بازدارند.

از پشت شیشه‌ها

«از پشت شیشه‌ها» از معدود نمایش‌نامه‌های رادی است که در یک تک پرده روایت می‌شود. رادی آن را در سال ۴۵ می‌نویسد. داستان، داستان یک خانواده روشنفکر است، در حالی که نمایش‌نامه پیشین او در یک خانواده روستایی روایت می‌شد. در این نمایش‌نامه، داستان نویسنده‌ای روایت می‌شود که سال‌ها تلاش کرده درباره حقایق زندگی مردم بنویسد، اما خودش از برآوردن

آرزوهای همسر معلمش ناتوان است. گذشت زمان نویسنده قصه رادی را له می‌کند. این نمایش‌نامه که یک بار در همان سال‌ها بهرام بیضایی قصد به صحنه بردنش را می‌کند، در سال ۴۶ چاپ می‌شود و پس از بازنویسی آن در سال ۵۵ توسط نویسنده، بار دیگر در سال ۵۶ چاپ می‌شود. این نمایش را رکن الدین خسروی در سال ۴۸ برای اولین بار در تالار سنگلج به روی صحنه می‌برد. در این نمایش بازیگرانی چون عنایت بخشی، بهمن مفید، ثریا قاسمی، جمیله شیخی و حسین کسبیان ایفای نقش کرده‌اند.

ارثیه ایرانی

«ارثیه ایرانی» دو پرده دارد و ۱۰ نقش اصلی. سال ۴۶ توسط رادی به تحریر درمی‌آید و سال ۵۴ بازنویسی می‌شود. سال ۴۷ هم به انتشار درمی‌آید. این نمایش‌نامه هم داستان همان تضادهاست که محضر دار و روحانی محل را درگیر خود می‌کند. روحانی با همسر و دو پسر و یک دخترش زندگی می‌کند. یکی از پسرهایش دانشجوی بیکاری است که تقربش بیلبارد و کافه رفتن است. پسر دیگرش کاسب محل است و وضع مالی مناسبی دارد. دخترش هم با اسم مستعار خواننده می‌شود. آنها در یک محله قدیمی زندگی می‌کنند و طبقه دیگر خانه‌شان را به مستأجر داده‌اند. مستأجر به اصرار همسرش که معلمی متجدد است، می‌خواهد از آن‌جا نقل مکان کند و پول خود را می‌خواهد. مرد هم برای تهیه پول به پسر تراشکارش مراجعه می‌کند. اما پسر که می‌خواهد مغازه دیگری بخرد، پیشنهاد می‌دهد خانه پسر دیگر را که حالا فوت کرده است، بفروشند. اما پدر مخالف است، چرا که دختری را به عقد خود درآورده و در آن مکان سکنا داده‌اند. از طرف دیگر پسر تراشکار با همسر مستأجر رابطه پنهانی برقرار می‌کنند و پدر هم می‌فهمد، اما چون به همین دلیل زن مستأجر از رفتن پشیمان می‌شود و دیگر پول را نمی‌خواهد، مرد هم سکوت می‌کند. این نمایش برای اولین بار سال ۴۹ در تالار ۲۵ شهریور (سنگلج) توسط موحد دیلمقانی به روی صحنه می‌رود و در سال ۵۶ توسط محمود محمد یوسف اجرای تلویزیونی می‌شود.

صیادان

اما «صیادان» از معدود نمایش‌نامه‌های رادی است که در آن نشانی از خانواده نیست. در یک مؤسسه خصوصی آنها با ترفندهای مختلف استثمار می‌شوند و مؤسسه با تأسیس باشگاه ورزشی و شرکت تعاونی و غیره سعی دارد صیادان را مطیع خواسته‌های خود کند. در این میان یعقوب تلاش می‌کند دیگران را از این امر آگاه کند و آنها را علیه مؤسسه بشوراند و در نهایت وقتی موفق می‌شود، معلوم می‌شود خود او عامل دیگر استثمار است.

رادی این نمایش‌نامه را سال ۴۸ می‌نویسد و منتشر می‌کند و سال ۵۴ آن را بازنویسی می‌کند و دوباره انتشار می‌دهد. فرامرزی طالبی سال ۵۲ آن را در تالار فردوسی روی صحنه می‌برد. مقدمات تهیه فیلمی از این نمایش‌نامه هم آماده می‌شود که به سرانجام نمی‌رسد. سهراب سلیمی و فرشید ابراهیمیان در این نمایش بازی کرده‌اند.

لبخند با شکوه آقای گیل

«لبخند با شکوه آقای گیل» که باز هم در میان تضادها و درگیری‌های یک خانواده روایت می‌شود (و این بار یک خانواده فتودالی)، در سه پرده روایت می‌شود. در فاصله سال‌های ۵۰ تا ۵۲ نمایش‌نامه شکل می‌گیرد و منتشر می‌شود و یک‌بار در سال ۶۹ بازنویسی می‌شود. در سال ۵۳ رکن الدین خسروی آن را در تالار ۲۵ شهریور (سنگلج) به روی صحنه می‌برد. این نمایش ۱۱ نقش اصلی دارد. روایت، روایت علیقلی خان گیل است که دارای املاک فراوان بوده و حالا مبتلا به سرطان شده. او که سه پسر و دو دختر دارد، حالا در جریان درگیری‌های فرزندانیش بیش از پیش مفلوک می‌شود. یکی از دختران او که زیاد در بازی نیست، طبعی لطیف و شاعرانه دارد، اما دیگری که نامش فروغ و روان‌شناس است، تشنه قدرت و محور توطئه است. از میان پسران یکی کاسب است و یکی زنباره و دیگری که مرکز توطئه‌هاست، روشنفکری است که آرزو دارد در ملکی که به ارث می‌برد مدرسه ای بسازد. در نهایت اما پدر پی به توطئه می‌برد، ملک را وقف می‌کند، می‌میرد و پسر بزرگ جانشینش می‌شود. در این اثر، محور اصلی علاوه بر نقدهای اجتماعی که مطرح می‌شود، روابط سردی است که بر چنین خانواده‌هایی حاکم است. در این نمایش که سال ۵۶ هم اجرای رادیویی می‌شود، بازیگرانی چون ایرج راد، جمیله شیخی، محمد علی کشاورز، بهروز بقایی و سهراب سلیمی ایفای نقش کرده‌اند.

در مه بخوان

رادی «در مه بخوان» را به رکن الدین خسروی تقدیم کرده که نمایش‌نامه‌های بسیاری را از او روی صحنه برده است. این نمایش که به سال ۵۳ نگاشته شده، ۱۰ نقش اصلی دارد و دوباره در روستایی در گیلان روایت می‌شود که البته نام روستا به ثبت نرسیده است. چهار پرده دارد و سال ۸۰ بار دیگر توسط نویسنده بازنویسی شده است و قبل از آن، یک بار در سال ۵۶، سال ۵۴ هم تاریخ انتشار اول آن است. سال ۷۱ هم در دانشکده اقتصاد اهواز نخستین بار اجرا می‌شود.

داستان این نمایش هم البته در خانواده نمی‌گذرد. داستان چند معلم است با خلق و خوی‌های متفاوت که پنج سال مأموریت دارند در دهی کار کنند. جز ناصر، که سعی در بهبود شرایط روستا دارد، باقی انگار به تبعید آمده باشند، روزگار می‌گذرانند. در این میان یکی از معلم‌ها با دختری روستایی رابطه برقرار می‌کند و وقتی که پدر دختر متوجه می‌شود، او را به قتل می‌رساند. در نهایت هم بعد از پنج سال همه به شهر باز می‌گردند و تنها همان ناصر است که می‌ماند و پناه روستا می‌شود.

هاملت با سالاد فصل

این نمایش‌نامه که رادی سال ۵۶ در دو پرده نوشته و به فرزانه کابلی تقدیم و همان سال منتشر کرده، در فضایی فانتزی روایت می‌شود با مایه‌های کم‌دی سیاه. همان سال ۵۶ جعفر والی تصمیم می‌گیرد که آن را روی صحنه ببرد که میسر نمی‌شود، تا سال ۶۹ که هادی مرزبان در سالن چهارسو با فرزانه کابلی و سروش خلیلی و فردوس کاویانی و حسین سحر خیز آن را اجرا می‌کند. این نمایش به عبارتی درد انسانی است که در انتخاب دچار تردید شده است.

منجی در صبح نمناک

«منجی در صبح نمناک» هفت پرده و ۱۲ نقش اصلی دارد. سال ۵۸ نوشته و سال ۷۶ بازنویسی شده است. تاریخ چاپ آن سال ۶۵ است و وقایع را در آستانه انقلاب روایت می‌کند. محور نمایش یک نمایش‌نامه نویس و همسرش است که به واسطه موقعیت آنها افراد مختلفی اعم از منتقد هنری و خبرنگار و مدیر انتشارات و... به خانه‌شان رفت و آمد دارند. اما در این میان دو دانشجو هم هستند که محوریت می‌یابند. داستان این نمایش‌نامه به عبارتی درباره پاره ای از روشنفکران برج عاج نشین است. این نمایش‌نامه سال ۶۸ در تبریز و گرگان اجرا و سال ۶۹ ضبط رادیویی می‌شود که البته پخش نمی‌شود. «منجی...» سال ۷۶ است که بازنویسی و تبدیل به هفت پرده می‌شود.

پلکان

«پلکان» به روایتی خبیث‌ترین شخصیت آثار رادی را در خود جای داده است. این نمایش‌نامه پنج پرده‌ای را که سال ۶۳ توسط هادی مرزبان در تالار چهارسو اجرا می‌شود، رادی در سال ۶۱ نوشته. زمان روایت داستان نمایش‌نامه از سال ۳۳ است تا ۵۷. شخصیت اصلی نمایش، یعنی بلبل در طول این سال‌ها از دزد حقیقی در روستا به یک سرمایه دار تبدیل می‌شود، اما سرمایه داری که در هر پله از زندگی خود و برای پیشبرد هدف‌هایش مسبب جنایتی شده است تا انتهای قصه که با پسرش رو در روی هم قرار می‌گیرند. این نمایش‌نامه در سال ۶۸ منتشر و در سال ۶۹ بازنویسی می‌شود. در سال ۷۵ در شیراز و در سال ۷۷ به مناسبت تجلیل از رادی در رشت اجرا می‌شود. در این نمایش بازیگرانی چون سیروس گرجستانی، صدرالدین حجازی، فردوس کاویانی، محمد عمرانی و آتش تقی پور ایفای نقش کرده‌اند.

تانگوی تخم مرغ داغ

«تانگوی تخم مرغ داغ» که رادی آن را در سال ۶۳ می‌نویسد و در سال ۷۸ بازنویسی می‌کند، نسخه دیگری از نمایش‌نامه «ارثیه ایرانی» است. این نمایش‌نامه سال ۸۱ به دست چاپ سپرده می‌شود و سال ۸۴ نیز به کارگردانی علی فتوحی در تبریز به روی صحنه می‌رود.

آهسته با گل سرخ

«آهسته با گل سرخ» را رادی در سال ۶۵ می‌نویسد در چهار پرده. این نمایش‌نامه هم در سال ۵۷ روایت می‌شود. داستان، داستان پسر فقیر و محرومی است که پدرش ورشکسته است. او که شاگرد اول معماری است و در مکانیکی کار می‌کند و از طرفی به زبان انگلیسی هم تسلط دارد مجبور می‌شود برای تحصیل به شهر برود، اما تا زمان آماده شدن خوابگاه مجبور است در منزل عمویش که مردی پول دار است، بماند. پسر که روشنفکری قاطع می‌نماید، به دلیل تفکراتش رو در روی پسر عمویش که پسری لا ابالی است، می‌ایستد و به این واسطه تا مقام نوکری تنزل می‌یابد. از طرف دیگر او به دلیل پناه دادن به یک دانشجوی زندانی مورد خشم عمویش قرار می‌گیرد تا روزی که مجبور می‌شود به جای پسر عمویش به دنبال نامزد او برود، که در کوچه تیر می‌خورد و می‌میرد. این نمایش‌نامه را که سال ۶۸ به چاپ می‌رسد، سال ۶۶ هادی مرزبان در سالن اصلی تئاتر شهر به روی صحنه می‌برد و در سال ۶۷ نیز در مشهد اجرا می‌شود. سال‌های ۶۸ و ۷۹ نیز در رشت و گرگان به روی صحنه می‌رود. در این نمایش کسانی چون فردوس کاویانی، مریم معترف، دانیال حکیمی، اصغر همت و فرزانه کابلی بازی کرده‌اند.

شب روی سنگفرش خیس

حالا دیگر به آثار متأخر رادی رسیده ایم. سال ۶۷ رادی «شب روی سنگفرش خیس» را می‌نویسد و به همسرش تقدیم می‌کند؛ نمایش‌نامه‌ای که شش پرده دارد و سال ۷۰ بازنویسی می‌شود. رادی پرده اول این نمایش‌نامه را سال ۶۴ می‌نویسد و چند سالی طول می‌کشد تا آن را کامل کند. سال ۷۷ هادی مرزبان اجرایی از آن در سالن اصلی تئاتر شهر می‌کند و سال ۷۸ نمایش‌نامه چاپ می‌شود. نمایش‌نامه «شب روی سنگفرش خیس» حکایت دکتر مجلسی، استاد ادبیات است که خود را بازنشسته اجباری کرده است. او یک دختر نابینا و خواهر جوانی دارد که بیوه شده. از طرفی یک شاگرد معلول هم دارد. این جمع را فرصت طلبان بیرون و فقر تهدید می‌کنند. بازیگرانی چون جمشید مشایخی، ایرج راد، فرهاد آئیش، فرزین صابونی و مهشاد مخبری شخصیت‌های این نمایش‌نامه را تاکنون جان داده‌اند.

آمیز قلمدون

«آمیز قلمدون» همان‌طور که از اسمش پیداست، داستان یک آمیز قلمدون اداره است. او که با همسرش زندگی می‌کند و دو دخترش ازدواج کرده‌اند، افتخارش این است که قلم به مزد نبوده و در طول دوره کارمندی حتی یک ربع هم تأخیر نداشته، و حالا در سنین

بازنشستگی به واسطه همین‌ها مورد تمسخر همسرش است که در تدارک است با همسایه‌شان سفری به ایتالیا برود. در نهایت هم وقتی همسرش این خبر را در روز تولدش به او می‌دهد که عازم سفر است، در تنهایی می‌میرد. این نمایش‌نامه را رادی در سال ۷۱ نوشته و در سال ۷۶ در سالن چهارسو و توسط هادی مرزبان که حالا کارگردان کارهای رادی شناخته می‌شود، اجرا شده است. این نمایش‌نامه در سال ۷۷ منتشر شده و در سال ۸۰ در رشت هم به صحنه رفته است.

باغ شب‌نمای ما

پیش‌نویس این نمایش‌نامه را رادی در سال ۷۳ می‌نویسد، سال ۷۴ آن را ویرایش می‌کند و به چاپ می‌سپارد. سال ۷۸ نیز یک بار دیگر آن را بازنویسی می‌کند. مرزبان سال ۷۹ آن را در جشنواره فجر به روی صحنه می‌برد و سال ۸۰ در سالن اصلی تئاتر شهر اجرای عمومی می‌شود و در آن کسانی چون داوود فتحعلی بیگی، فرزانه کابلی، شهره سلطانی و جلیل فرجاد بازی می‌کنند. این نمایش گرد شاهی می‌گردد عیاش و بی مسئولیت که مردم را زیر لگدهای خود له می‌کند و در نهایت به دست همان مردم جان می‌دهد.

بوی باران لطیف است (ملودی شهر بارانی)

«بوی باران لطیف است» یا «ملودی شهر بارانی» را رادی سال ۷۶ می‌نویسد که سال ۸۲ به چاپ می‌رسد و هادی مرزبان هم با دانیال حکیمی و اصغر همت و فرزانه کابلی آن را در سال ۸۴ به روی صحنه می‌برد. علاوه بر مرزبان، رضا میر معنوی هم در سال ۸۰ در رشت آن را به روی صحنه می‌برد. این نمایش‌نامه در کرمانشاه و اردبیل هم اجرا شده است.

خانمچه و مهتابی

رادی طرح این نمایش را که سال ۸۲ به چاپ می‌رسد، از سال ۷۸ آغاز می‌کند. او در این نمایش که آخرین اجرای در همین سال ۸۶ و در جشنواره تئاتر ماه است، به مسئله زن در سه مقطع تاریخی و سه طبقه اجتماعی می‌پردازد. داستان نخست درباره زنی اشرافی است که آخرین بازمانده عصر قاجار است. داستان دوم انگار نگاهی به همان زن است که این بار گدای سر قبر آقا- آدمی نظر کرده و مقدس و دارای مقبره‌ای واقع در جنوب شهر تهران- است. این بخش از نمایش‌نامه در دهه ۳۰ شمسی اتفاق می‌افتد. داستان سوم هم داستان زنی امروزی است که نویسنده است. در هر سه این داستان‌ها علاوه بر نگاهی به وضعیت روحی و روانی و اجتماعی زن، به رابطه هر کدام از آنها با همسرانشان نیز پرداخته می‌شود. اما تمام آنها در حقیقت از زبان یک زن میان‌سال در آسایشگاه سالمندان روایت می‌شود که دچار آلزایمر است.

شب به خیر جناب کنت

رادی نگارش نمایش‌نامه «شب به خیر جناب کنت» را اواخر دهه ۷۰ آغاز می‌کند و سال ۸۲ آن را به چاپ می‌رساند. این نمایش را میکائیل شهرستانی سال ۸۵ در تالار قشقایی به روی صحنه می‌برد. این نمایش‌نامه که فضایی غیر رئال دارد، با سه شخصیت محوری و در یک پرده روایت می‌شود و حکایت پیرمردی است که سال‌ها خیاط بوده و برای خانواده‌های ثروتمند کار می‌کرده است. حالا او به همراه همسرش آماده می‌شوند تا به جشن عروسی بروند، اما انگار مهمان ناخوانده آنها که مرگ است، ورق را بر می‌گرداند.

کاکتوس

نمایش‌نامه «کاکتوس» سال ۸۲ به چاپ می‌رسد. این اثر رادی سال ۸۵ در تالار مولوی و توسط مزده ساعی به روی صحنه می‌رود. در «کاکتوس» با دو شخصیت تنها و تک افتاده روبه‌رو هستیم که در طبقه هفدهم یک برج، با هم دیدار می‌کنند. داستانی در کار نیست و نمایش‌نامه بر اساس حادثه ساده دیدار دو دوست قدیمی که به ایجاد یک موقعیت تنش‌زا و کشمندی انجامد، شکل می‌گیرد. در پایان نمایش‌نامه یکی از شخصیت‌ها خودکشی می‌کند و دیگری به زندگی تکراری و تنهایی خود باز می‌گردد.

آهنگ‌های شکلاتی

نمایش‌نامه «آهنگ‌های شکلاتی» را رادی سال ۸۵ روانه چاپ می‌کند و همان سال هم توسط میکائیل شهرستانی در تالار قشقایی اجرا می‌شود. این نمایش‌نامه هم تک پرده‌ای است و رادی باز هم در آن به بحث تقابل نسل‌ها می‌پردازد. داستان از این قرار است که پیرمردی در پارک با جوانی معترض و تحصیل کرده برخورد می‌کند. طی صحبت‌هایی که بین او و جوان رد و بدل می‌شود، حرف‌ها و اعتراض‌های جوان بی پایه خوانده می‌شود و پیرمرد، جوان را متقاعد می‌کند تا راه درستی برای زندگی و ارتباط با دیگران برگزیند. در انتها متوجه می‌شویم که این پیرمرد بی‌خانمان است و حتی محلی برای خواب و پولی برای ارتزاق ندارد، ولی به جوان پول می‌دهد و او را شیفته و مجذوب رفتار و کردار خود می‌کند. نمایش در ترنم آرام موسیقی «مونامو» و خوابیدن پیرمرد در پارک به پایان می‌رسد.

پایین گذر سقاخانه

«پایین گذر سقاخانه» سال ۸۵ چاپ و توسط هادی مرزبان در تالار اصلی تئاتر شهر اجرا می‌شود.

رادی در ششمین فستیوال کلن آلمان در سخنانی گفته: «من از گیلان تشنه می‌نویسم، تو از مزارع سر سبز آشویتس، او از بنارس و آن دیگری از پراگ یا جامائیکا. و هر یک با جوهر خود تفسیر می‌کنیم خاک تلخ را که اسطوره اولش خلقت آدم است.» و به‌راستی که او در این ۲۲ نمایش‌نامه چنین بود؛ چون هر نمایش‌نامه نویس راستین دیگری.